

کد خبر: ۱۵۳۴۲۶

تاریخ: ۱۳۹۹/۰۵/۳۰



یادداشتی درباره رمان «سپیده دم ایرانی»، نوشته امیرحسن چهل تن

## درخت سیاست بار ندارد

مریم السادات مهدوی

«سپیده دم ایرانی» داستان مردی است که بعد از ۲۸ سال تبعید خودخواسته، در بهمن ماه ۱۳۵۷ به ایران برمی گردد، اما به دلیل اتفاقات رخ داده طی این سال‌ها، دچار سردرگمی و یأس می‌شود. نویسنده، در این رمان با نگاهی اجتماعی تاریخی، هویت مخدوش شده مرد را در مواجهه با وقایع رخ داده، نشان می‌دهد.

امیرحسن چهل تن نویسنده نامی و تاثیرگذار ادبیات داستانی ایران، در همه آثارش با رویکردی تاریخی به سرنوشت محتوم انسان‌هایی می‌پردازد که گرفتار شرایط نامناسب اجتماعی شده‌اند. وی برای نمایش زندگی شخصیت‌های داستانی‌اش، روابط اجتماعی آنها را در بستر تاریخ بیان کرده و تلاش می‌کند تا تجربه تاریخ را در ادبیات داستانی ایران زنده نگه دارد.

چهل تن در این رمان، تاثیر سیاست بر زندگی شخصیت اصلی داستانش را بازگو می‌کند. نویسنده زندگی سیاسی - اجتماعی او را در برابر مخاطب قرار داده و نشان می‌دهد چگونه به خاطر عقاید و باورهایش، عمر و زندگی خود و خانواده‌اش را به تباهی کشانده است. شخصیت اصلی داستان، ایرج بی‌رشک، پس از مشارکت در ترور ناموفق محمدرضا پهلوی مجبور به فرار از ایران می‌شود. وی که از اعضای حزب توده است برای رسیدن به جایگاه آرمانی حزبی خود، به شوروی می‌گریزد اما در همان بدو ورود با رفتار غیرمنتظره‌ای روبرو می‌شود. این اتفاق سبب می‌شود تا اعتقادات و باورهایش زیر سوال بروند. کمونیسم شوروی، نه تنها او را به عنوان عضو حزب توده به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه به جرم جاسوسی برای امپریالیسم او را دستگیر و به ۱۵ سال کار در اردوگاه کار اجباری محکوم می‌کند. به این ترتیب پیوند بی‌رشک با جهان خارج، خانواده و آرزوهایش بی‌آنکه قادر به اعتراض باشد، قطع می‌شود.

چهل تن، داستان را با ورود ایرج بی‌رشک به ایران و در فرودگاه مهرآباد شروع می‌کند و با تکنیک بازگشت به گذشته، اطلاعاتی از موقعیت و زندگی شخصیت‌ها، شرایط خانوادگی‌شان و... به خواننده می‌دهد. وی در ادامه، روایت را با گفت‌وگوهای سنجیده پیش می‌برد و با توصیف دقیق جزئیات و فضا سازی (به ویژه توصیف فضای شهر تهران در دهه‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۰) داستان را با راوی دانای کل گسترش می‌دهد. استفاده درست و حرفه‌ای از زبان و نگارش نثری خوش کلام توسط نویسنده، جذابیت رمان را بیشتر کرده است.

اگرچه این رمان با توجه به برخی ویژگی‌هایش ذیل رئالیسم اجتماعی معرفی می‌شود، اما به دلیل وجود مولفه‌هایی مانند تنهایی، هویت شخصی و فردیت، با مفاهیم جدید اجتماعی نیز پیوند خورده و به تلفیق مناسبی از رئالیسم و مدرنیسم در ادبیات داستانی ایران دست یافته است. در این رمان هریک از شخصیت‌ها به نحوی در تنهایی به سر می‌برند و فاصله بین آدم‌ها درونمایه اصلی اثر است؛ آدم‌هایی پر از دلهره و اضطراب که فضای ذهنی‌شان سرد و تاریک است.

چهل تن، با توانایی و مهارت، مخاطب را تا پایان با خود همراه می‌کند و داستان را با پایان‌بندی‌ای غیرقابل پیش‌بینی به اتمام می‌رساند.

این رمان اولین بار در اردیبهشت ۱۳۸۴ به چاپ رسید و تا این لحظه به زبان‌های آلمانی و عربی نیز ترجمه شده است.